

الله الرحمن الرحيم



دانشگاه شاهرود

دانشکده علوم انسانی

گروه آموزشی حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق - حقوق خصوصی

عنوان

بررسی تأثیر نسب حاصل از لقاح مصنوعی بر حقوق ارثی کودک و وضعیت وی در نظام احوال
شخصیه در عراق و مصر

استاد راهنما

دکتر عباس علی صالحی

استاد مشاور

دکتر سجاد شهباز

نگارش

ثامر حمید جاسم جاسم

تابستان ۱۴۰۴



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه حقوق رشته حقوق خصوصی

پایان نامه آقای نامر حمید جاسم جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی با عنوان: بررسی تأثیر نسب حاصل از لقاح مصنوعی بر حقوق ارثی کودک و وضعیت وی در نظام احوال شخصیه عراق و مصر در تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۷ با حضور هیأت داوران زیر بررسی و با نمره ۲۰ و رتبه عالی مورد تصویب نهایی قرار گرفت.

۱. استاد راهنمای پایان نامه دکتر عباسعلی صالحی با مرتبه علمی استادیار

۲. استاد مشاور پایان نامه دکتر سجاد شهباز قهفرخی با مرتبه علمی استادیار

۳. استاد داور پایان نامه دکتر سعید مولوی با مرتبه علمی استادیار

۴. استاد داور پایان نامه دکتر محمد علی نظری با مرتبه علمی استادیار



تعهد نامه

اینجانب ثامر حمید جاسم جاسم دانشجوی رشته‌ی حقوق گرایش حقوق خصوصی با شماره دانشجویی ۴۰۲۱۵۰۳۶۲۰ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد اظهار می‌کنم که این پایان‌نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی از آن که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین تعهد می‌نمایم که بدون مجوز استاد/ استادان راهنمای پایان‌نامه ام دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. در ضمن کلیه حقوق مادی و معنوی حاصله از نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه شهرکرد است.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضا:

چکیده

در عصر حاضر، پیشرفت‌های شگرف در عرصه‌ی زیست‌فناوری‌های باروری، به‌ویژه در حوزه‌ی لقاح مصنوعی، موجب بروز تحولات بنیادین در ساختار سنتی خانواده و به‌تبع آن در نظام‌های حقوقی مرتبط با احوال شخصیه گردیده است؛ تحولاتی که نه‌تنها مفاهیم سنتی نسبت، ارث، ولایت و هویت را با چالش‌های مفهومی و حقوقی مواجه ساخته، بلکه ضرورت بازاندیشی فقهی-حقوقی در مواجهه با نهادهای نوپدید را نیز اجتناب‌ناپذیر نموده است. با ظهور نسل جدیدی از کودکان که برآمده از فرآیندهای علمی تلقیح مصنوعی، اهدای گامت و رویان، رحم جایگزین و سایر روش‌های مشابه هستند، نظام‌های حقوقی به‌ویژه در کشورهای اسلامی نظیر عراق و مصر، در برابر پرسش‌های پیچیده‌ای قرار گرفته‌اند؛ از جمله این که آیا چنین کودکی از حیث انتساب نسبی، شناسایی هویتی و بهره‌مندی از حقوق ارثی، واجد همان جایگاه کودکان طبیعی است؟ و در صورت پذیرش، کدام شروط و موانع باید لحاظ گردد تا توازن میان مبانی شرعی و مقتضیات علمی حفظ شود؟ در این پایان نامه، با تمرکز بر دو نظام حقوقی عراق و مصر که از یک‌سو در چارچوب کلی فقه اسلامی حرکت می‌کنند و از سوی دیگر با مقتضیات دولت مدرن و عرف تقنینی مواجه‌اند، تلاش شده تا وضعیت حقوقی کودک حاصل از لقاح مصنوعی، به‌ویژه در نسبت با احکام ارث و قواعد نسب، مورد تحلیل تطبیقی و انتقادی قرار گیرد. مسئله‌ی محوری پژوهش این است که چگونه می‌توان با استناد به مواد قانونی مصرح در حقوق احوال شخصیه عراق و مصر، نسبت مشروع کودک حاصل از لقاح مصنوعی را شناسایی کرد و به تبع آن حقوق ارثی وی را به رسمیت شناخت، بی‌آنکه دچار تعارض آشکار با اصول فقهی حاکم در این کشورها شد؟ روش تحقیق اتخاذشده در این پژوهش، کیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از تحلیل متنی و تفسیری دقیق مواد قانونی، آرای فقهی، رویه‌های قضایی و مقایسه تطبیقی میان دو نظام حقوقی، به تبیین علمی مسئله پرداخته شده است. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش آن است که هرچند هر دو نظام حقوقی عراق و مصر تلاش کرده‌اند با اقتباس از برخی آراء فقهی نظیر احکام ارث را در مواردی به نفع فرزندان محروم‌شده از ارث گسترش دهند، اما در حوزه‌ی کودکان حاصل از روش‌های نوین باروری، خلأهای جدی در تعریف دقیق نسبت، نحوه اثبات آن، و ضمانت اجرای حقوقی ارث وجود دارد. در عراق، مواد قانونی چون ماده ۷۴ قانون احوال شخصیه، به‌گونه‌ای ضمنی امکان حمایت از فرزندی را که پدر یا مادرشان پیش از جد یا جدّه فوت کرده‌اند فراهم می‌آورد، اما این احکام همچنان فاقد صراحت و سازوکار اجرایی برای شرایط لقاح مصنوعی‌اند. در مصر نیز با وجود تلاش قانون‌گذار، عملاً در خصوص پذیرش نسب ناشی از تلقیح مصنوعی و آثار ارثی آن، سکوت حقوقی یا عدم انسجام مفهومی مشهود است.

واژگان کلیدی: لقاح مصنوعی، نسب شرعی، ارث، احوال شخصیه، حقوق تطبیقی، نظام حقوقی اسلامی.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم	۱
۱-۱. کلیات	۲
۱-۱-۱. مقدمه	۲
۱-۱-۲. بیان مسئله	۳
۱-۱-۳. سؤالات تحقیق	۴
۱-۱-۴. فرضیه های تحقیق	۵
۱-۱-۵. ضرورت و اهمیت انجام تحقیق	۶
۱-۱-۶. اهداف تحقیق	۷
۱-۱-۷. پیشینه پژوهش	۸
۱-۱-۸. روش تحقیق	۹
۱-۱-۹. ساختار تحقیق	۹
۲-۱. مفاهیم	۱۱
۲-۱-۱. مفهوم لقاح مصنوعی	۱۲
۲-۱-۱-۱. مفهوم لغوی	۱۲
۲-۱-۱-۲. مفهوم اصطلاحی	۱۴
۲-۲-۱. مفهوم نسب	۱۶
۲-۲-۱-۱. مفهوم لغوی	۱۶
۲-۲-۱-۲. مفهوم اصطلاحی	۱۸
۲-۲-۳. مفهوم ارث	۲۰
۲-۲-۳-۱. مفهوم لغوی	۲۰
۲-۲-۳-۲. مفهوم اصطلاحی	۲۲
فصل دوم: بررسی وضعیت حقوقی کودک حاصل از لقاح مصنوعی در نظام حقوقی عراق	۲۵
۲-۱. نظام حقوقی و احوال شخصیه در عراق	۲۸
۲-۱-۱. ساختار کلی قانون احوال شخصیه عراق	۳۰
۲-۱-۲. نحوه شناسایی نسب در قوانین جاری	۳۳
۲-۱-۳. ضوابط کلی ارث و ارتباط آن با نسب قانونی	۳۸

۲-۲. آثار لقاح مصنوعی بر وضعیت کودک.....	۴۲
۲-۲-۱. وضعیت قانونی کودک از نظر هویت و شناسایی.....	۴۴
۲-۲-۲. بررسی حقوق ارثی کودک در بستر لقاح مصنوعی.....	۴۸
۳ فصل سوم: بررسی وضعیت حقوقی کودک حاصل از لقاح مصنوعی در نظام حقوقی مصر.....	۵۴
۳-۱. ساختار حقوقی مرتبط با احوال شخصیه در مصر.....	۵۷
۳-۱-۱. مبانی قانونی احوال شخصیه و تعیین نسب در مصر.....	۵۸
۳-۱-۲. اصول حاکم بر ارث در حقوق مدنی مصر.....	۶۱
۳-۱-۳. جایگاه کودک در ساختار قانونی مربوط به خانواده.....	۶۵
۳-۲. تأثیر لقاح مصنوعی بر وضعیت کودک.....	۶۷
۳-۲-۱. وضعیت حقوقی و شناسایی هویت کودک.....	۶۸
۳-۲-۲. حدود و شرایط بهره‌مندی کودک از ارث.....	۷۱
۴ فصل چهارم: مطالعه تطبیقی تأثیر نسب حاصل از لقاح مصنوعی بر حقوق ارثی کودک در نظام‌های حقوقی عراق و مصر.....	۷۴
۴-۱. تطبیق مفاهیم و ساختارهای قانونی.....	۷۶
۴-۱-۱. مقایسه رویکردهای قانونی در تعیین نسب کودک.....	۷۸
۴-۱-۲. تحلیل تطبیقی قواعد ارث در دو کشور.....	۸۱
۴-۱-۳. میزان انطباق ساختارهای احوال شخصیه با تحولات جدید.....	۸۳
۴-۲. چالش‌ها و پیشنهادهای اصلاحی.....	۸۶
۴-۲-۱. تحلیل تطبیقی چالش‌های قانونی در شناسایی کودک.....	۸۷
۴-۲-۲. مسائل مربوط به ارث در کودکان حاصل از روش‌های نوین باروری.....	۸۹
۴-۲-۳. چالش‌ها و خلأهای موجود در نظام حقوقی عراق.....	۹۲
۴-۲-۴. خلأها و چالش‌های قانونی در حقوق مصر.....	۹۸
۴-۲-۵. ارائه راهکارها و پیشنهادهای حقوقی برای اصلاح و تکمیل قوانین.....	۱۰۰
خاتمه.....	۱۰۳
نتایج.....	۱۰۳
پیشنهادهات.....	۱۰۶
فهرست منابع.....	۱۱۰

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱. کلیات

۱-۱-۱. مقدمه

تحولات گسترده در عرصه‌ی زیست‌فناوری و دانش پزشکی، به‌ویژه در حوزه‌ی باروری مصنوعی و فناوری‌های کمک‌باروری، موجب شکل‌گیری مسائلی نوظهور در ساختارهای سنتی و حقوقی خانواده گردیده است؛ مسائلی که پیش‌تر در چارچوب قواعد فقهی و حقوقی کلاسیک، تصور تحقق خارجی آن‌ها ممکن نمی‌نمود. یکی از مهم‌ترین این تحولات، رواج لقاح مصنوعی و استفاده از روش‌هایی چون تلقیح خارج‌رحمی، اهدای گامت، و مادر جایگزین است که علی‌رغم دستاوردهای پزشکی و انسانی، چالش‌های عمیقی را در حوزه‌ی نسب، هویت فردی، و نظام توزیع حقوق مالی و ارثی ایجاد کرده است. این وضعیت، به‌ویژه هنگامی حساس‌تر و پیچیده‌تر می‌شود که کودک متولد از این روش‌ها، فاقد پیوندهای نسبی روشن با والدین قانونی یا عرفی خود باشد، یا مشروعیت آن پیوندها از منظر فقهی یا حقوقی مورد مناقشه واقع گردد.

در چنین زمینه‌ای، پرسش بنیادینی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آیا کودکی که در نتیجه‌ی لقاح مصنوعی به دنیا آمده است، می‌تواند از حقوق ارثی برخوردار باشد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، این حقوق به چه شکل و در چه چارچوبی قابل تحقق است؟ بدیهی است که پاسخ به این سؤال، در هر نظام حقوقی و قضائی، وابسته به فهم آن نظام از مفاهیمی همچون «نسب مشروع»، «اهلیت ارث‌بری»، و «حقوق اولاد» است؛ مفاهیمی که در بافت حقوقی کشورهای اسلامی، علاوه بر بنیان‌های عقلانی و مدنی، ارتباطی مستقیم با آموزه‌های فقهی و قواعد شرعی نیز دارند و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً در چارچوب مکانیسم‌های عرفی یا مدنی تحلیل کرد. از این‌رو، مطالعه‌ی تأثیر لقاح مصنوعی بر ساختار ارث، بدون تحلیل دقیق پیش‌فرض‌های فقهی و نصوص قانونی مرتبط با نسب، مشروعیت ولادت، و ترتب آثار مالی بر آن، ممکن نخواهد بود.

کشورهایی چون عراق و مصر که نظام‌های حقوقی‌شان مبتنی بر ترکیبی از شریعت اسلامی و اصول مدنی است، نمونه‌های درخور توجهی برای تحلیل‌های تطبیقی محسوب می‌شوند. از یک‌سو، این کشورها با پذیرش نسبی اصول فقهی در نظام احوال شخصیه، کوشیده‌اند ضوابط اسلامی را در طراحی مقررات خانواده و ارث رعایت کنند؛ و از سوی دیگر، با تأثیرپذیری از نظام‌های حقوقی معاصر، در برخی موارد به تأسیس نهادهایی نوین، نظیر قواعد ارث نوین برای اولاد فرزند متوفی، اقدام کرده‌اند. بنابراین، بررسی تطبیقی وضعیت حقوقی کودک حاصل از لقاح مصنوعی، به‌ویژه از حیث بهره‌مندی وی از ارث یا محرومیت از آن، در دو نظام حقوقی عراق و مصر، می‌تواند نه‌تنها به تبیین مرزهای مشروعیت چنین فرزندان در چارچوب قانون کمک نماید، بلکه زمینه‌ای برای نقد و بازاندیشی در برخی مفاهیم سنتی مرتبط با ارث و ساختار خانواده نیز فراهم سازد.

در این فصل، تلاش خواهد شد تا با ترسیم کلیاتی از ابعاد مفهومی، تاریخی و قانونی موضوع، پایه‌های نظری تحقیق استوار گردد. این کلیات، نه فقط ناظر به اهمیت موضوع و ضرورت پژوهش در آن است، بلکه سعی دارد ضمن شفاف‌سازی قلمرو مفهومی واژگان کلیدی چون «لقاح مصنوعی»، «نسب» و «ارث»، بستر مناسبی برای تحلیل‌های تفصیلی در فصل‌های بعدی فراهم نماید. از این‌رو، مباحث این فصل با تشریح مسئله و بیان اهداف و پرسش‌های اصلی تحقیق آغاز شده، سپس به روش‌شناسی پژوهش، پیشینه‌های داخلی و خارجی، و در نهایت ساختار کلی تحقیق می‌پردازد؛ تا از رهگذر آن، تصویری روشن، منسجم و روش‌مند از جهت‌گیری علمی و عملی این مطالعه فراروی خواننده قرار گیرد. در نهایت، این مقدمه، سعی دارد ضمن وفاداری کامل به چارچوب‌های تحلیلی حقوق اسلامی و مدنی، ضرورت تأسیس نگاهی نوین در بازفهم جایگاه فرزند حاصل از فناوری‌های نوین زیستی را آشکار سازد؛ نگاهی که در عین وفاداری به نصوص و مقاصد شرعی، پاسخ‌گوی نیازهای حقوقی پیچیده‌ی عصر حاضر نیز باشد.

۱-۱-۲. بیان مسئله

لقاح مصنوعی به‌عنوان یکی از پیشرفت‌های علمی و پزشکی در حوزه باروری، تحولات مهمی در مسائل حقوقی، فقهی، و اجتماعی ایجاد کرده است. این فناوری که با هدف کمک به زوجین نابارور برای داشتن فرزند استفاده می‌شود، سوالات متعددی را در زمینه حقوق احوال شخصیه و به‌ویژه حقوق ارثی کودک حاصل از این روش مطرح کرده است. در نظام‌های حقوقی عراق و مصر که قوانین احوال شخصیه بر اساس شریعت اسلامی تدوین شده‌اند، مسئله نسب کودک حاصل از لقاح مصنوعی و تأثیر آن بر حقوق ارثی، از جمله موضوعات پیچیده و بحث‌برانگیز است.

نسب در شریعت اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد و مبنای بسیاری از حقوق و تکالیف مانند ارث، حضانت، و نفقه است. در مواردی که کودک حاصل از لقاح مصنوعی باشد، به‌ویژه اگر از تخمک یا اسپرم اهدایی استفاده شده باشد، تعیین نسب و شناسایی والدین کودک می‌تواند با چالش‌های حقوقی و فقهی مواجه شود. در عراق و مصر، اختلافاتی در تفسیر فقهی و تطبیق آن با مقتضیات حقوقی در خصوص مشروعیت این نوع از تولد و وضعیت حقوقی کودک وجود دارد. در برخی موارد، کودک حاصل از لقاح مصنوعی ممکن است با محدودیت‌هایی در حقوق ارثی یا حتی در شناسایی نسب خود مواجه شود، که این امر می‌تواند پیامدهای اجتماعی و قانونی گسترده‌ای به همراه داشته باشد.

نسب یکی از مهم‌ترین اسباب ارث در فقه و حقوق است و به معنای پیوند خونی و خویشاوندی میان افراد تعریف می‌شود. قانون مدنی ایران نیز در ماده ۸۶۲ به صراحت نسب را در کنار نکاح و ولاء از اسباب ارث دانسته است. بر اساس این قاعده، خویشاوندان نسبی متوفی در طبقات و درجات مشخصی از او ارث می‌برند، به‌گونه‌ای که هر طبقه در صورت وجود، مانع ارث بردن طبقات بعدی می‌شود.

طبقه اول وراثت نسبی شامل اولاد و اولادِ آن‌ها و پدر و مادر است. اگر فرزندان وجود داشته باشند، سایر خویشان طبقات بعدی ارث نمی‌برند. طبقه دوم شامل اجداد، برادران و خواهران و اولاد آن‌هاست و طبقه سوم عمو، عمه، دایی و خاله و فرزندان آنان را در بر می‌گیرد. این ترتیب نشان می‌دهد که قانون‌گذار تقدم و تأخر وراثت را بر پایه نزدیکی نسبی تنظیم کرده است.

تأثیر نسب در ارث تنها در تعیین طبقات وراثت نیست، بلکه در مقدار سهم‌الارث نیز نقش اساسی دارد. برای نمونه، فرزندان ذکور دو برابر فرزندان اناث سهم می‌برند، یا پدر و مادر در کنار اولاد متوفی سهم مشخصی دارند، اما اگر فرزند وجود نداشته باشد، سهم آن‌ها افزایش می‌یابد. همچنین وجود خواهر و برادر فقط در صورتی مؤثر است که متوفی اولاد نداشته باشد.

یکی از چالش‌های اساسی، تفسیر و انطباق قواعد شریعت با فناوری‌های نوین است. در عراق، نظام حقوقی که بر اساس فقه جعفری و قوانین مدنی بنا شده است، در مواردی با موضوعات جدیدی مانند لقاح مصنوعی همخوانی ندارد. در مصر نیز که بر اساس فقه سنی و قواعد مدنی تنظیم شده، سؤالاتی نظیر مشروعیت استفاده از تخمک یا اسپرم اهدایی، و تعیین وضعیت حقوقی کودک مطرح است. این مسائل باعث شده‌اند که نظام‌های حقوقی هر دو کشور در مواجهه با این فناوری با خلأها و ابهامات قانونی روبه‌رو شوند.

مسئله اصلی این است که نسب کودک حاصل از لقاح مصنوعی چه تأثیری بر حقوق ارثی او دارد و نظام‌های حقوقی عراق و مصر چگونه این مسائل را مدیریت می‌کنند؟ آیا این نظام‌ها توانسته‌اند با ارائه راهکارهای حقوقی شفاف و عادلانه، حقوق کودک را تضمین کنند؟ و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در رویکردهای این دو کشور در این زمینه وجود دارد؟

ضرورت بررسی این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که تحولات پزشکی و فناوری‌های نوین در حوزه باروری، نیازمند بازنگری در قوانین احوال شخصیه هستند. تحلیل تطبیقی میان نظام‌های حقوقی عراق و مصر می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظام‌ها کمک کند و پیشنهادهایی برای رفع خلأهای حقوقی ارائه دهد. همچنین، این پژوهش می‌تواند به ایجاد تعادل میان اصول شریعت اسلامی و مقتضیات اجتماعی معاصر در مسائل حقوق خانواده کمک کرده و زمینه‌ساز توسعه قوانین در سایر کشورهای اسلامی نیز باشد.

۱-۳. سؤالات تحقیق

سوال اصلی

نسب ناشی از لقاح مصنوعی چه تأثیری بر حقوق ارثی کودک و وضعیت قانونی وی در نظام احوال شخصیه کشورهای عراق و مصر دارد و این دو نظام حقوقی تا چه اندازه توانسته‌اند پاسخگوی چالش‌های ناشی از این پدیده در زمینه‌ی ارث و شناسایی هویت کودک باشند؟

سوالات فرعی

۱. وضعیت حقوقی کودک حاصل از لقاح مصنوعی در نظام حقوقی عراق چگونه تعریف شده است و این نظام چه معیارهایی را برای اثبات نسب و تعیین آثار حقوقی آن پیش‌بینی کرده است؟
۲. نظام حقوقی مصر چه رویکردی نسبت به کودک حاصل از لقاح مصنوعی دارد و چه قواعدی را برای تنظیم نسب و آثار آن در حقوق خانواده و ارث مقرر کرده است؟
۳. تأثیر نسب ناشی از لقاح مصنوعی بر حقوق ارثی کودک در نظام‌های حقوقی عراق و مصر چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد و چه چالش‌های مشترکی در هر دو نظام مشاهده می‌شود؟

۱-۱-۴. فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد که نسب ناشی از لقاح مصنوعی در نظام‌های احوال شخصیه عراق و مصر، به دلیل وابستگی به مبانی فقهی و چارچوب‌های قانونی خاص هر کشور، آثار متفاوتی بر حقوق ارثی و وضعیت قانونی کودک برجای می‌گذارد و در برخی موارد، نبود قواعد صریح و رویه‌های قضایی یکسان، مانع از تحقق کامل حمایت‌های قانونی و رفع چالش‌های هویتی و ارثی در این حوزه می‌گردد.

فرضیات فرعی

۱. در نظام حقوقی عراق، شناسایی نسب کودک حاصل از لقاح مصنوعی مشروط به رعایت شرایط و ضوابط فقهی و قانونی خاص است و در صورت احراز این شرایط، آثار ارثی همانند فرزند مشروع برقرار می‌شود؛ با این حال، در موارد فقدان شرایط، یا نسب به کلی نفی می‌شود یا حقوق ارثی با محدودیت‌های جدی مواجه خواهد شد.
۲. در نظام حقوقی مصر، هرچند امکان شناسایی نسب ناشی از لقاح مصنوعی در چهارچوب معین پیش‌بینی شده است، اما ابهام در تعیین حدود مشروعیت این روش و خلأهای قانونی موجود، باعث شده است که وضعیت ارثی و هویت کودک در معرض تفسیرهای متفاوت فقهی و قضایی قرار گیرد.
۳. مقایسه تطبیقی میان عراق و مصر نشان می‌دهد که تفاوت در مبانی فقهی، سیاست‌های تقنینی و رویه‌های قضایی دو کشور، موجب بروز اختلافات قابل توجه در شناسایی نسب و آثار ارثی آن شده است و تدوین مقررات صریح و هماهنگ مبتنی بر اجتهاد روزآمد می‌تواند نقش مؤثری در رفع تعارضات و ارتقای امنیت حقوقی ایفا کند.

۱-۱-۵. ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

ضرورت پژوهش:

تطبیق قوانین احوال شخصیه با تحولات علمی و فناوری‌های نوین: پیشرفت‌های پزشکی و فناوری در حوزه باروری، مانند لقاح مصنوعی، چالش‌های جدیدی را برای نظام‌های حقوقی ایجاد کرده است. در کشورهای اسلامی مانند عراق و مصر که قوانین احوال شخصیه بر اساس شریعت اسلامی تنظیم شده‌اند، ضرورت دارد که این قوانین با مقتضیات فناوری‌های نوین هماهنگ شوند. این پژوهش می‌تواند به ارائه راهکارهایی برای تنظیم مقررات و رفع خلأهای قانونی در این زمینه کمک کند.

حفظ حقوق ارثی و اجتماعی کودکان حاصل از لقاح مصنوعی: یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با لقاح مصنوعی، وضعیت حقوق ارثی و اجتماعی کودکانی است که از این روش به دنیا می‌آیند. این کودکان ممکن است به دلیل ابهامات حقوقی در تعیین نسب، از حقوق اساسی خود مانند ارث و شناسایی قانونی محروم شوند. این پژوهش ضرورت دارد تا با بررسی تطبیقی قوانین عراق و مصر، راهکارهایی برای تضمین حقوق این کودکان ارائه دهد.

رفع ابهامات فقهی و حقوقی درباره مشروعیت لقاح مصنوعی: شریعت اسلامی، با وجود انعطاف در مواجهه با مسائل جدید، هنوز در برخی موارد با ابهامات و اختلاف‌نظرهایی در تفسیر احکام مرتبط با لقاح مصنوعی روبه‌رو است. بررسی این موضوع از منظر فقهی و حقوقی، به‌ویژه در دو کشور عراق و مصر که رویکردهای متفاوتی به شریعت دارند، می‌تواند به روشن‌تر شدن جایگاه لقاح مصنوعی در چارچوب شریعت کمک کند.

پاسخگویی به مسائل اجتماعی و فرهنگی ناشی از لقاح مصنوعی: تحولات علمی در حوزه باروری علاوه بر مسائل حقوقی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی نیز دارد. این پژوهش با تحلیل تطبیقی وضعیت حقوقی کودک حاصل از لقاح مصنوعی در عراق و مصر، می‌تواند به رفع نگرانی‌های اجتماعی، کاهش تبعیض و تقویت عدالت اجتماعی کمک کند.

ایجاد الگویی برای سایر نظام‌های حقوقی مشابه: عراق و مصر به‌عنوان دو کشور اسلامی با نظام‌های حقوقی مبتنی بر شریعت، می‌توانند الگویی برای سایر کشورهای اسلامی در مواجهه با مسائل جدید حقوقی و فناوری‌های نوین ارائه دهند. این پژوهش با شناسایی نقاط قوت و ضعف قوانین این دو کشور، به سایر نظام‌های حقوقی کمک می‌کند تا در تنظیم مقررات مرتبط با فناوری‌های باروری، از این تجربیات بهره‌برداری کنند.

تقویت عدالت اجتماعی و حقوق انسانی در نظام‌های حقوقی اسلامی: بررسی تطبیقی تأثیر لقاح مصنوعی بر حقوق ارثی و اجتماعی کودکان، می‌تواند به تقویت عدالت اجتماعی و حفاظت از حقوق انسانی در نظام‌های حقوقی عراق و مصر منجر شود. این پژوهش ضرورت دارد تا با ارائه پیشنهادهایی برای بهبود قوانین و رویه‌ها، به افزایش شفافیت و انسجام در نظام‌های حقوقی کمک کند.

اهمیت پژوهش:

تضمین حقوق ارثی و اجتماعی کودکان حاصل از لقاح مصنوعی: این پژوهش اهمیت ویژه‌ای در تضمین حقوق ارثی و اجتماعی کودکانی دارد که از طریق لقاح مصنوعی به دنیا می‌آیند. در بسیاری از موارد، این کودکان به دلیل ابهامات حقوقی یا اختلاف در تفسیر قوانین، از حقوقی مانند ارث و شناسایی قانونی محروم می‌شوند. بررسی تطبیقی قوانین عراق و مصر می‌تواند راهکارهایی عملی برای حفاظت از این حقوق ارائه دهد و به کاهش تبعیض علیه این گروه آسیب‌پذیر کمک کند.

هماهنگی میان اصول شریعت اسلامی و مقتضیات فناوری‌های نوین: شریعت اسلامی به‌عنوان منبع اصلی قوانین احوال شخصیه در عراق و مصر، نیازمند بازنگری و تفسیر جدید در مواجهه با فناوری‌های نوین مانند لقاح مصنوعی است. این پژوهش می‌تواند به ایجاد تعادل میان اصول شریعت و نیازهای اجتماعی و علمی معاصر کمک کند و نقش فقه اسلامی را در مدیریت مسائل جدید تقویت کند.

رفع خلأهای قانونی و حقوقی در مواجهه با فناوری‌های باروری: پیشرفت فناوری در حوزه باروری، چالش‌هایی مانند تعیین نسب، مشروعیت حقوقی و فقهی، و تکالیف والدین را مطرح کرده است. اهمیت این پژوهش در شناسایی خلأهای قانونی موجود در عراق و مصر و ارائه پیشنهادهایی برای تنظیم دقیق‌تر و شفاف‌تر قوانین مرتبط است.

تقویت عدالت اجتماعی در نظام‌های حقوقی اسلامی: این پژوهش می‌تواند با تحلیل تطبیقی وضعیت حقوقی کودک حاصل از لقاح مصنوعی در عراق و مصر، به تقویت عدالت اجتماعی و کاهش تبعیض در این کشورها کمک کند. تضمین حقوق این کودکان و روشن شدن جایگاه آن‌ها در نظام حقوقی، موجب افزایش انسجام اجتماعی و اعتماد عمومی به قوانین خواهد شد.

ارائه الگویی برای سایر نظام‌های حقوقی مشابه: نتایج این پژوهش می‌تواند به‌عنوان الگویی برای سایر کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به اینکه بسیاری از این کشورها با مسائل مشابهی در حوزه فناوری‌های باروری روبه‌رو هستند، یافته‌های این تحقیق می‌تواند به اصلاح و بهبود قوانین آن‌ها کمک کند. پاسخ به مسائل اجتماعی و اخلاقی ناشی از لقاح مصنوعی: این پژوهش به روشن شدن تأثیرات اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی لقاح مصنوعی در جوامع اسلامی کمک می‌کند. موضوعاتی مانند مشروعیت استفاده از تخمک یا اسپرم اهدایی و تأثیر آن بر ساختار خانواده، از جمله مباحثی هستند که این تحقیق می‌تواند راه‌حل‌های مناسبی برای آن‌ها ارائه دهد.

۱-۱-۶. اهداف تحقیق

۱. هدف نخست این پژوهش تبیین و واکاوی مبانی نظری، فقهی و قانونی مربوط به نسب کودک حاصل از لقاح مصنوعی در چارچوب نظام احوال شخصیه عراق و مصر است، به گونه‌ای که روشن شود هر یک از این

نظام‌ها چگونه در پرتو مبانی فقهی خود و قواعد حقوقی موجود، نسبت به پذیرش یا عدم پذیرش این نوع نسب موضع گرفته‌اند و چه معیارهایی برای اثبات آن و تعیین آثار حقوقی‌اش در نظر گرفته شده است. این هدف معطوف به شفاف‌سازی بنیادهای حقوقی و فقهی در این دو کشور و بررسی نقاط ابهام و تردید در خصوص مشروعیت و اعتبار نسب ناشی از روش‌های نوین باروری است.

۲. هدف دوم پژوهش تحلیل آثار و پیامدهای مترتب بر نسب ناشی از لقاح مصنوعی در حوزه حقوق ارث کودک است، به‌ویژه در پرتو قواعد سنتی توارث و اصولی که نظام‌های حقوقی عراق و مصر در تعیین اولویت‌ها، موانع و طبقات وراثت پیش‌بینی کرده‌اند. این هدف می‌کوشد نشان دهد که ورود شیوه‌های پزشکی نوین باروری چه چالش‌هایی برای قواعد ثابت و سنتی ارث به وجود آورده و قانون‌گذار چگونه می‌تواند میان حمایت از حقوق کودک و صیانت از ساختارهای سنتی خانواده تعادل برقرار سازد.

۳. هدف سوم پژوهش انجام مطالعه‌ای تطبیقی برای بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان نظام‌های حقوقی عراق و مصر در تعیین وضعیت حقوقی کودک حاصل از لقاح مصنوعی و آثار آن در حقوق ارثی است. این هدف ناظر بر تحلیل دقیق نحوه مواجهه دو نظام با پدیده‌ای واحد، اما در بسترهای فقهی و حقوقی متفاوت است، و به دنبال شناسایی الگوها، تجارب موفق یا ناکارآمد و نقاط تقارب و افتراق در زمینه سیاست‌گذاری تقنینی و قضایی می‌باشد.

۴. هدف چهارم این پژوهش ارائه پیشنهادها و اصلاحی و راهکارهای تقنینی برای رفع خلأها و کاستی‌های موجود در قوانین احوال شخصیه عراق و مصر است، تا از یک‌سو ابهامات مربوط به نسب و حقوق ارثی کودک حاصل از لقاح مصنوعی کاهش یابد، و از سوی دیگر، حمایت‌های قانونی و قضایی لازم برای تضمین حقوق بنیادین این دسته از کودکان فراهم شود. این هدف علاوه بر بُعد نظری، واجد اهمیت کاربردی و تقنینی است و می‌تواند راهنمایی برای قانون‌گذاران و مراجع ذی‌صلاح در جهت انطباق نظام‌های حقوقی با واقعیت‌های نوین پزشکی و اجتماعی باشد.

۱-۱-۷. پیشینه پژوهش

۱- اسحاقی، ربابه. بررسی طبقات ارث در ق.م. ایران و فرانسه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، ۱۳۹۵.

این پایان‌نامه به بررسی تطبیقی طبقات ارث در قانون مدنی ایران و فرانسه پرداخته و تأثیر اصول حقوقی هر دو کشور را بر نحوه تقسیم ارث تحلیل می‌کند. نویسنده با تمرکز بر مبانی فقهی و حقوقی، تلاش کرده است تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو نظام حقوقی را روشن کرده و راهکارهایی برای رفع تعارضات احتمالی ارائه دهد.

۲- دیلمی، احمد. «مطالعه تطبیقی ارث زن». فصلنامه مفید، شماره ۲۹، ۱۳۸۷.

این مقاله به بررسی حقوق ارث زن در نظام‌های حقوقی ایران و برخی کشورهای دیگر پرداخته است. نویسندگان با مقایسه تطبیقی، به تحلیل جایگاه زنان در قوانین ارث و بررسی میزان تطابق آن‌ها با اصول عدالت اجتماعی می‌پردازد. این پژوهش به شناسایی خلأهای قانونی و ارائه پیشنهادهایی برای تقویت حقوق زنان در حوزه ارث کمک می‌کند.

۳- کانیمشکانی، ابوالفا بن محمد بن عبدالکریم (معتدی کردستانی). ارث در اسلام و مقررات قانون مدنی ایران. تهران: چاپخانه حیدری، ۱۳۵۹.

. این کتاب یکی از منابع کلاسیک در زمینه ارث است که به بررسی اصول فقهی ارث در اسلام و تطبیق آن با مقررات قانون مدنی ایران پرداخته است. نویسندگان ضمن ارائه تفسیری دقیق از آیات و احادیث مرتبط با ارث، به تحلیل مواد قانونی مربوط در نظام حقوقی ایران می‌پردازد و نقش فقه اسلامی را در تدوین این مقررات روشن می‌کند.

۴- مصلحی عراقی، علی حسین. حقوق ارث. تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم، ۱۳۹۲.

این کتاب به‌عنوان یک منبع جامع در زمینه حقوق ارث، به بررسی اصول و مقررات ارث در فقه اسلامی و قانون مدنی ایران می‌پردازد. نویسندگان موضوعاتی مانند طبقات ارث، سهم‌الارث وارثان، و مبانی قانونی و فقهی تقسیم ارث را تحلیل کرده است. این اثر با ارائه مثال‌های کاربردی، به‌ویژه برای دانشجویان حقوق و پژوهشگران حوزه فقه و حقوق مفید است.

۱-۱-۸. روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود. در بخش توصیفی، اطلاعات مرتبط با قوانین احوال شخصیه عراق و مصر درباره کودک حاصل از لقاح مصنوعی جمع‌آوری و به‌طور دقیق بررسی می‌شود. این اطلاعات شامل مواد قانونی، منابع فقهی، و رویه‌های حقوقی هر دو کشور است. سپس در بخش تحلیلی، داده‌ها برای شناسایی نقاط قوت و ضعف قوانین، خلأهای حقوقی، و تأثیر شریعت اسلامی بر این مقررات ارزیابی می‌شود. با استفاده از این روش، تطبیق قوانین با نیازهای اجتماعی معاصر تحلیل شده و راهکارهایی برای رفع چالش‌ها و تقویت عدالت اجتماعی ارائه می‌شود.

۱-۱-۹. ساختار تحقیق

ساختار تحقیق حاضر، با هدف تحلیل تطبیقی وضعیت حقوقی کودک حاصل از لقاح مصنوعی در زمینه‌ی حقوق ارث و احوال شخصیه در دو کشور عراق و مصر، بر مبنای تبیین مفهومی، بررسی نظام‌های حقوقی ملی، و تحلیل تطبیقی، در قالب چهار فصل تنظیم شده است. فصل نخست به بیان کلیات اختصاص یافته و در آن، ابتدا مسئله‌ی تحقیق تبیین شده، سپس سؤالات و فرضیه‌های پژوهش مطرح گردیده، ضرورت انجام تحقیق

مورد تأکید قرار گرفته و با اشاره به پیشینه‌ی مطالعاتی، روش تحقیق و ساختار کلی آن معرفی شده است. در ادامه‌ی همین فصل، مفاهیم پایه‌ای همچون لقاح مصنوعی، نسب و ارث از منظر لغوی و اصطلاحی بررسی می‌گردند تا بنیان نظری لازم برای ورود به مباحث بعدی فراهم آید.

فصل دوم به بررسی وضعیت حقوقی کودک حاصل از لقاح مصنوعی در نظام حقوقی عراق اختصاص دارد و در آن، ساختار قانونی کشور عراق در حوزه‌ی احوال شخصیه معرفی شده، سپس نحوه‌ی شناسایی نسب، قواعد حاکم بر ارث و ارتباط آن با نسب مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت، تأثیر لقاح مصنوعی بر وضعیت هویتی و حقوق ارثی کودک بررسی می‌شود. در این راستا، تلاش شده است تا با تمرکز بر قوانین جاری و رویه‌های حقوقی عراق، نقاط قوت و کاستی‌های موجود در برخورد با این مسئله شناسایی گردد.

در فصل سوم، همین مسیر در خصوص نظام حقوقی مصر دنبال شده و ضمن ارائه‌ی تصویری روشن از ساختار حقوقی احوال شخصیه در این کشور، اصول شناسایی نسب، قواعد ارث و وضعیت کودک حاصل از روش‌های نوین باروری مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در این فصل، خلأهای قانونی و چالش‌هایی که در تطبیق قواعد سنتی با مسائل جدید ناشی از لقاح مصنوعی بروز کرده‌اند، تبیین می‌گردند.

فصل چهارم به مطالعه‌ی تطبیقی میان دو کشور عراق و مصر می‌پردازد و با مقایسه‌ی مفاهیم، ساختارها و رویکردهای حقوقی آن‌ها در زمینه‌ی نسب، ارث و احوال شخصیه، تلاش می‌شود میزان هماهنگی یا افتراق نظام‌های مذکور با تحولات نوین در حوزه‌ی باروری روشن گردد. همچنین در این فصل، چالش‌های مشترک یا خاص هر کشور مورد تحلیل قرار گرفته و بر پایه‌ی نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقاء کارآمدی نظام‌های حقوقی در مواجهه با مسئله‌ی کودک حاصل از لقاح مصنوعی ارائه می‌شود.

۱-۲. مفاهیم

در پژوهش‌هایی که به مفاهیم نوپدید یا پیچیده‌ای همچون لقاح مصنوعی و پیامدهای حقوقی آن می‌پردازند، آغاز کار مستلزم ورود به مباحث نظری و مفهومی است، به‌ویژه هنگامی که موضوع در بستر نظام‌های حقوقی مبتنی بر اصول فقهی و قوانین مدنی متنوع بررسی می‌شود. تعریف دقیق مفاهیم کلیدی نه‌تنها موجب وضوح ساختاری در کل تحقیق می‌شود، بلکه زیربنای اصلی تحلیل‌های حقوقی و استنادات قانونی در فصول بعدی است. اصطلاحاتی نظیر «لقاح مصنوعی»، «نسب» و «ارث» در فقه اسلامی، قوانین عرفی، رویه‌ی قضایی و حتی عرف اجتماعی تعاریف متفاوتی یافته‌اند و در صورت فقدان شفاف‌سازی اولیه، تحلیل علمی دقیق و استنباط صحیح دشوار خواهد شد. بر این اساس، این مبحث با هدف ایجاد بنیان مفهومی، مسیر فهم منسجم نسبت میان لقاح مصنوعی و ارث را هموار ساخته و زمینه ورود به مقررات حقوقی عراق و مصر را فراهم می‌کند (حسب، ۲۰۱۹، ص ۳۱۱).

نخست، «لقاح مصنوعی» به‌عنوان پدیده‌ای زیستی-حقوقی بررسی می‌شود؛ فرآیندی که طی آن نطفه مرد و تخمک زن خارج از رابطه طبیعی جنسی، معمولاً در محیط آزمایشگاهی، ترکیب و سپس به رحم منتقل می‌شود. این پدیده در عمل اشکال متنوعی دارد، مانند استفاده از نطفه یا تخمک زوج، اهدایی یا رحم جایگزین، که همگی پیامدهای حقوقی و فقهی خاصی ایجاد می‌کنند. در جوامع با نظام فقهی-قانونی مانند عراق و مصر، این روش تولیدمثل چالش‌های جدیدی در شناسایی نسب و آثار ارثی ایجاد کرده است (بوزغیبه، ۲۰۱۴، ص ۱۰۲۳).

دوم، مفهوم «نسب» که در حقوق اسلامی و قوانین موضوعه کشورهای اسلامی جایگاهی محوری دارد، مبنای بسیاری از حقوق و تکالیف مانند ولایت، حضانت و ارث است. از دیدگاه فقهی، تحقق نسب مشروع منوط به نکاح صحیح، فراش و شرایط خاص تمکین جنسی است، در حالی که در برخی قوانین موضوعه، امکان اثبات نسب حتی بدون نکاح شرعی بررسی شده است. با ظهور لقاح مصنوعی، این ساختار با پرسش‌هایی چون تعیین والد قانونی و ملاک‌های اثبات نسب ژنتیکی یا قراردادی روبه‌رو شده است (العانی، ۲۰۰۳، ص ۲۷۷).

سوم، «ارث» به‌عنوان نهادی حقوقی در فقه اسلامی به انتقال اموال متوفی به وارثان بر اساس پیوند نسبی مشروع و با رعایت شرایط و موانع خاص اختصاص دارد. در مواردی که کودک حاصل از لقاح مصنوعی خارج از چهارچوب سنتی ازدواج متولد شود، اهلیت ارث او محل تردید است. در مصر، ارث بر مبنای قانون مدنی و فقه حنفی یا مالکی تفسیر می‌شود، در حالی که در عراق با ساختار مختلط فقهی و عرفی، برداشت‌های خاصی ممکن است وجود داشته باشد (الخمار، ۲۰۲۲، ص ۱۷).

این تعاریف چارچوب مفهومی همه ارجاعات فصول بعدی را تشکیل می‌دهد و هرگونه تحلیل در فصول دوم، سوم و چهارم باید بر همین مفاهیم روشن و مستند استوار باشد. از این‌رو، نقش این مبحث صرفاً مقدماتی نیست، بلکه بنیان استدلالی پژوهش را شکل می‌دهد و با تفکیک دقیق میان معانی لغوی و اصطلاحی، از برداشت‌های ناصحیح جلوگیری می‌کند.

۱-۲-۱. مفهوم لقاح مصنوعی

۱-۱-۲-۱. مفهوم لغوی

واژه‌ی «لقاح» در زبان عربی ریشه در ماده‌ی ثلاثی مجرد «لَقَحَ» دارد که از منظر ساختار صرفی به باب فَعَلَ (با فتح عین) بازمی‌گردد و از نظر نحوی، در قالب اسم مصدر یا مصدر نوعی به کار می‌رود. این واژه با دیگر مشتقات هم‌خانواده‌ی خود، از جمله «تَلْقِیْح»، «مُلَقِّح»، «مُلَقَّح»، «مُلَقَّح»، و «مِلَقَّح» منظومه‌ای اشتقاقی را تشکیل می‌دهد که هر یک نقش نحوی، فعلی، فاعلی یا مفعولی متفاوتی دارند و گستره‌ی معنایی خاص خود را در بافت‌های کاربردی گوناگون ایجاد می‌کنند. در تحلیل اشتقاقی واژه‌ی «لقاح»، باید به این نکته توجه داشت که این ریشه فعل لازمی نیست، بلکه دارای بار معنایی متعددی است که دلالت بر ایجاد رابطه‌ای فعال میان دو موجود زنده دارد که در آن، یکی به‌مثابه فاعل لقاح و دیگری در جایگاه قابل برای تلقیح نقش‌آفرینی می‌کند. بنابراین، ساختار واژه از همان آغاز واجد دلالتی دوسویه و تعاملی است که در آن، حرکت از ناحیه‌ی فاعل به مفعول منجر به شکل‌گیری عنصری جدید و مستقل می‌شود. این حرکت معنایی از سوی فاعل به مفعول، در حقیقت جوهر لقاح را می‌سازد و با تأکید بر آفرینندگی و تولید، به تمایز لقاح از مفاهیمی مانند آمیزش صرف یا مجاورت نطفه کمک می‌کند. (صاحب‌عباد، ۱۹۹۴، ج ۳، ص ۲۲۳)

از حیث تحلیل معناشناختی، واژه‌ی «لقاح» در بستر طبیعی خود به‌معنای پیوند زاینده‌ی عناصر نر و ماده است؛ خواه در انسان، خواه در حیوان، و خواه در نبات. هسته‌ی معنایی این واژه، مفهوم امتزاج و درهم‌آمیختن هدفمند و سازنده‌ای است که غایت آن تولید موجودی جدید و مستقل می‌باشد. بنابراین، برخلاف دیگر واژگانی که صرفاً بر تماس یا نزدیکی دلالت دارند، «لقاح» دارای یک وجه مولد، خلاق و نتیجه‌محور است. در لایه‌های عمیق‌تر زبان، این معنا از لقاح در واقع بازتابی از نظم خلقت و قانون زاینده‌ی در طبیعت است که در آن، ترکیب دو جوهر مکمل به پیدایش حیاتی تازه منتهی می‌گردد. این ویژگی منحصربه‌فرد، باعث شده است که

واژه‌ی لقاح در گستره‌ی متون عربی هم در معنای حقیقی و زیستی خود به کار رود، و هم در حوزه‌ی مجازی و استعاری، برای بیان امتزاج افکار، تلفیق دیدگاه‌ها، یا آمیختگی عناصر فرهنگی و معرفتی. در هر دو حالت، معنای بنیادین زایش و نوآفرینی در پس‌زمینه‌ی کاربرد آن نهفته است. حتی در استعمالات دینی و فقهی، واژه‌ی لقاح مفهومی است که از حوزه‌ی توصیف علمی فراتر می‌رود و وارد ساحت ارزشیابی شرعی و مشروعیت می‌شود، چرا که تحقق نسب، شرط مشروعیت ولادت، و آغاز بسیاری از آثار حقوقی خانواده در گرو این مفهوم است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۹۶)

بررسی ساختار واژه از منظر کاربردهای لغوی آن در منابع کلاسیک زبان عربی نیز نشان می‌دهد که «لقاح» دارای دو گونه‌ی ضبط در تلفظ است: یکی با کسره‌ی لام (لِقَاح) و دیگری با فتح آن (لَقَاح)، که هر دو در موارد مختلف به کار رفته‌اند، اگرچه تفاوت‌های جزئی در دلالت معنایی آن‌ها ممکن است بسته به سیاق جمله یا ساختار نحوی، موجب تنوعی در برداشت گردد. علاوه بر این، در ساختار جمع، واژه‌ی «لقاح» گاهی به صورت «أَلْقَحَه» و گاهی نیز به صورت «لِقَاحَات» آورده شده است، که به فراخور کاربرد آن در زمینه‌ی نباتات، حیوانات یا انسان، تنوعی در ضبط و تعبیر را در پی داشته است. این تنوع ساختاری نشان از آن دارد که واژه‌ی لقاح، علی‌رغم سادگی ظاهری‌اش، از چنان انعطاف‌پذیری نحوی و زبانی برخوردار است که توانسته خود را در عرصه‌های متعدد زبان حفظ کند و به‌رغم تحولات معرفتی و تکنولوژیکی، همچنان ساختار اصلی و ماهیت معناساختی خود را حفظ نماید. (بعلبکی، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۱۹۶)

در متون ادبی، علمی، پزشکی و حتی عرف عام، واژه‌ی لقاح گاه به معنای گرده‌افشانی نخل‌ها به کار رفته است، که در آن، عناصر نر و ماده‌ی درخت نخل با هم ترکیب می‌شوند تا میوه تولید شود. این کاربرد با استناد به تشبیهات قرآن و سنت در جوامع عربی جایگاه ویژه‌ای یافته و مفهوم زاینده‌گی در طبیعت را به روشنی نشان می‌دهد. همچنین در حوزه‌ی دامداری و پرورش حیوانات، لقاح به معنای تزویج هدفمند حیوانات برای تولید نسل جدید است. اما در حوزه‌ی انسان، واژه‌ی لقاح از حساسیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که علاوه بر بار علمی، واجد بارهای اخلاقی، فقهی و حقوقی نیز هست. در این زمینه، لقاح نه‌تنها یک عمل زیستی تلقی می‌شود، بلکه با مفاهیمی همچون مشروعیت جنسی، رضایت، مالکیت نطفه، حقوق والدین، و احکام نسب در هم تنیده است. به همین دلیل، واژه‌ی لقاح به‌ویژه در ترکیب‌های نوپدید نظیر «اللقاح الصناعي» در ادبیات حقوقی معاصر، به مسئله‌ای فراتر از زیست‌شناسی اشاره دارد و حامل دلالتی است که بنیاد بسیاری از احکام احوال شخصیه را متأثر می‌سازد. (قالی، ۱۹۷۵، ج ۱، ص ۱۳۲)

با تحولات علمی در حوزه‌ی پزشکی باروری و پیدایش تکنولوژی‌های پیشرفته در زمینه‌ی لقاح مصنوعی، واژه‌ی لقاح در ساختار ترکیبی خود، وارد مرحله‌ای جدید از حیات معنایی شده است. ترکیب وصفی «اللقاح الصناعي» از نظر ساخت زبانی، اضافه‌ی وصفی‌ای است که در آن، واژه‌ی «صناعی» به معنای غیرطبیعی، مصنوعی و مبتنی بر مداخله‌ی انسان به فرآیند طبیعی تولیدمثل اطلاق می‌شود. این ترکیب به صورت واژه‌ای